



جذابیت‌های پنهان يك درام مذهبي

هر سال به مناسبت ماه محرم، شبکه‌های مختلف برنامه‌های ترکیبی، فیلم‌ها و سریال‌هایی را تدارک می‌بینند که با موضوع عزاداری‌های این ماه مرتبط باشد.

سریال #171«تا رهایی« در کنار طرح موضوعات اجتماعی، مضامین مذهبی را هم به تصویر می‌کشد جذابیت‌های پنهان يك درام مذهبي

جام جم آنلاین: هر سال به مناسبت ماه محرم، شبکه‌های مختلف برنامه‌های ترکیبی، فیلم‌ها و سریال‌هایی را تدارک می‌بینند که با موضوع عزاداری‌های این ماه مرتبط باشد.

برنامه‌های ترکیبی و تله‌فیلم‌ها به منظور معرفی بیشتر ابعاد مختلف واقعه عاشورا ساخته می‌شوند که در آنها یا تاریخ روایت می‌شود یا دیدگاه‌های مذهبی مورد بررسی قرار می‌گیرد یا هر دو. اما سریال‌ها نقشی مهم‌تر دارند، چون علاوه بر این که باید تاریخ و مذهب را بدرستی روایت کنند، وظیفه سرگرم‌سازی را هم به عهده دارند.

يك تله‌فیلم نهایتاً يك ساعت و نیم از وقت بیننده را اشغال می‌کند، اما سریال می‌خواهد هر شب چیزی حدود يك ساعت از وقت مخاطب را به خود اختصاص دهد. بنابراین بسیار مهم است که مفاهیم اخلاقی، مذهبی و تاریخی یا هر چیزی که مقصود نهایی سریال است، در قالب داستانی شیرین و جذاب نقل شود تا برای بیننده تمایلی برای ادامه تماشای سریال ایجاد شود.

تا رهایی سریالی است که شبکه يك برای پخش در دهه اول محرم روانه آنتن کرده است. کاری به کارگردانی حسین تبریزی که 2 سال پیش ساخته و برای پخش آماده شد، اما در صف سریال‌های مناسبی ماند تا امسال نوبت پخش آن رسید. در نظر بگیریم که هر فیلم یا سریالی متناسب با زمانه‌ای است که در آن ساخته می‌شود و وقتی زمان مناسب پخش آن می‌گذرد، ممکن است تاریخ مصرفش هم تمام شود. ممکن است در مدتی که پخش آن به تعویق افتاده، داستانی شبیه به آن ساخته شود یا بازیگران در نقش‌هایی شبیه به آنچه در آن سریال بازی کرده بودند، ظاهر شوند که در صورت اول داستان تکراری شده و در صورت دوم نیمی از ظرایف بازی يك بازیگر لو می‌رود. امتیازی که #171«تا رهایی« دارد این است که هیچ‌کدام از این دو اتفاق برایش رخ نداده است. داستان همچنان تازه است و کشش لازم برای جذب مخاطب را دارد. پیچیدگی‌ها و اسراری که داستان با خود به همراه دارد، همچنان آن را از سریال‌های دیگر متمایز می‌کند و برای آن نقطه قوت محسوب می‌شود. اگر ضعفی در داستان یا چگونگی نگارش فیلمنامه به چشم می‌خورد، به گذر زمان مربوط نیست. مثلاً در قسمت‌های اول سریال، داستان غیرقابل پیش‌بینی بود و ریتم تندی داشت که حساب آن را از سریال‌های دیگر جدا می‌کرد. اما با گذشتن تقریباً نیمی از سریال، تعلیق و کششی که در داستان وجود داشت کمرنگ شد، تا جایی که این ذهنیت را شکل می‌دهد که آنچه در قسمت‌های اول دیده شد، ضرباهنگ قوی و تعلیق‌های پی در پی نبود، بلکه يك جور شتابزدگی بود، به این منظور که بیشتر داستان در همان ابتدا نقل شود تا در قسمت‌های دیگر فرصت برای طولانی کردن و تأکید روی اوج‌های عاطفی بیشتر باشد.

نکته: در سریال #171«تا رهایی« دو مجموعه از بازیگران کنار هم قرار گرفته‌اند، بازیگرانی که نقش‌های قبلی خود را تکرار کرده‌اند و بازیگرانی که نقش‌های جدیدی را تجربه کرده‌اند

در #171«تا رهایی« دو مجموعه از بازیگران در کنار هم قرار گرفته‌اند، چند نفر از بازیگران همان نقش‌هایی را ایفا می‌کنند که قبلاً امتحان کرده‌اند و چند نفر دیگر نقش‌هایی را به عهده دارند که تا به حال تجربه نکرده‌اند و در کارنامه‌شان نقش‌هایی متفاوت محسوب می‌شود. مثلاً حسن جوهرچی یا سعید نیکپور، تا به حال بارها نقش آدمی نیکوسیرت و موجه را بازی کرده‌اند و در این سریال هم بازی در قالب همان‌گونه از شخصیت را برعهده دارند. یا برای جعفر دهقان متصور است که نقش سردسته يك باند خلافکار را برعهده داشته باشد. اما پویا امینی و حمیدرضا پگاه نقش‌هایی متفاوت از کارنامه‌شان را ایفا می‌کنند. این انتخاب‌ها و نحوه بازی گرفتن از دسته دوم بازیگران این سریال، نشان‌دهنده سلیقه خوب کارگردان و جدیت او در ارائه يك کار متفاوت است. اما در مورد دسته اول نه تنها خلاقیتی رخ نداده، بلکه بازی‌ها گاهی بیش از حد به کلیشه متمایل شده و کاملاً از حالت باورپذیر خارج شده‌اند. مثلاً با دیدن یکی دو نما از چهره جعفر دهقان (بهرام) و شنیدن نحوه بیان چند دیالوگ از او، متوجه می‌شویم که با يك شخصیت #171«بد« روبه‌رو هستیم.

نکته جالبی که این سریال را همراهی می‌کند، موسیقی عجیب آن است، موسیقی سوزناکی که گاهی شبیه به نواهای ترکی است. درست است که موسیقی يك سریال باید همراه و هم‌مسیر با آن باشد، اما نقشی که موسیقی در این سریال دارد، از يك توضیح غیرکلامی گذشته و انگار تصمیم دارد موضوع را کاملاً برای بیننده روشن کند. در صحنه‌های احساسی موسیقی با تمام قوت ظاهر می‌شود و فضا را تشریح می‌کند. آیا اگر موسیقی به این شکل نبود، احساسات و عواطف يك سکانس به بیننده منتقل نمی‌شد؟ اگر

قرار است باري که موسيقي به دوش مي‌کشد اين قدر سنگين باشد که نتوان آن را از صحنه‌ها حذف کرد، آن هم به اين دليل که در غير اين صورت احساسات به بيننده منتقل نمي‌شود، آيا از ابتدا آن سکانس الکن و ناقص نبوده است؟

با تمام اين اوصاف، نمي‌توان کتمان کرد که «تا رهايي« سريال ديديني و جذابي است. با اين که فيلمنامه داراي ضعف‌هاي مشهودي است، اما هسته اصلي داستان هنوز جذابيت‌هاي زيادي دارد تا بيننده را قانع به پيگيري آن کند. با اين که کارگردان گاهي در مورد کنترل بازيگران بيش از حد گذشت به خرج داده و اجازه داده که بعضي از نقش‌ها کليشه‌اي شوند، اما در عوض ضرباهنگ نسبتاً قوي و تندي به بيشتر دقايق سريال تزريق کرده که به کليت کار قوت مي‌بخشد و آن را در رده سريال‌هاي دوست‌داشتني حفظ مي‌کند.

شروينه شجري کهن / جام‌جم